

## بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

(محرم ۱۴۳۳ ه.ق - بَقِیَّهٗ اللّٰهِ خَیْرٌ لَّكُمْ اِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِیْنَ)

۷ آذر ۹۰

خطبه‌ی شب سوم

به نام آفریننده‌ی ملکوت و ملکوتیان. چه کسی جز پروردگار عالم صاحبِ عرشِ عظیم است؟ پس شکری تمام نشدنی بر پایه‌ی عدالتی که خود فرموده: **مَثَقَالَ ذَرَّةٍ خَیْرًا یَّرَهُ وَ مَثَقَالَ ذَرَّةٍ شَرًّا یَّرَهُ**. مثقال چیست؟ آن را می‌شناسید؛ نامش را در محاسبات دنیا آموخته‌اید؛ دنیایی که برایتان جز خوابی خوش یا رؤیایی تلخ معنای دیگری ندارد؛ یا با شادی از آن بر می‌خیزید و یا از اینکه در خواب بودید شاکرِ پروردگارتان هستید. با خود چه کرده‌اید؟ چگونه حقیقتی را که نامش خلقت است در بازی‌های کودکانه به فراموشی سپرده‌اید؟ سال‌های عمر را می‌گذرانید و در آینه‌ی عبرتِ زمان نمی‌نگرید. بنگرید که چگونه بال‌های ملکوتی را با طنابِ نفس بسته‌اید؛ در این شب‌ها فرصتِ باز کردنش را به جانتان هدیه کنید تا با سرورتان به طواف کعبه درآیید و از جلدی بیرون بیایید که ضخامتش، کارگزاران الهی را به فغان وا می‌دارد.

پس از بازار دنیا جدا شوید تا با عاشورائیان هم‌سفر شویم.

کاروان آرام آرام به کعبه‌ی مکرمه نزدیک می‌شود. حاجیان، در راه به کاروان امام می‌آیند و می‌روند. امام حسین (ع) امر می‌فرمایند در پشت کوه جبل الفاران چادرها را بزنند و آماده‌ی مناسک حج.

نزدیکانِ امام در چادرِ حضرت جمع می‌شوند؛ امام نگاهی به جمعشان می‌اندازد و می‌فرماید: چه حاجیان با صلابتی؛ چه می‌بینم در این چهره‌های بندگی. شکر پروردگارم را که همراهانی چون شما دارم. آماده باشید تا در روزِ دوم ذی‌الحجه به طواف عمره بپردازیم.

همه می‌روند. امام سجاد (ع) مانده است. امام حسین (ع) می‌فرماید: پسر، سؤالی داری؟ امام سجاد (ع) می‌فرماید: بله، می‌خواهم با کعبه عهدی ببندم ولی ندایی را

می‌شنوم که مرا به وحشت می‌اندازد. پدر یاریم کن، چگونه به سؤالی که می‌شنوم پاسخ دهم؟ امام، حضرت را در آغوش می‌فشارد و می‌فرماید: مانند پدرم امیر مؤمنان در کنار همه هستی درحالی‌که فرشتگان به مناجات بیشتر از ما خو گرفته‌اند پس جانت را به صاحبش بسپار تا او خود آن را یاری کند.

امام سجاد (ع) می‌روند. حضرت اباعبدالله (ع) تنها می‌شوند؛ به کعبه می‌نگرند؛ صدای حضرت زهرا (س) را می‌شنوند که می‌فرمودند: پسر، هرگاه به کعبه نگرستی به یاد جدت ابراهیم باش، او را بخوان تا صبر را بیاموزی و اینک من، پسرِ ام‌ابیهاتو را می‌خوانم، باید کدام صبر را بیاموزم؟ جانم مشتاق لقای است که زمان را می‌شکافد پس یاریم کن تا در طورِ عشق سرافراز باشم.

در صبح دوم ذی‌الحجه همگان به دورِ امام حلقه می‌زنند تا طوافِ عمره را آغاز کنند. امام به یاران می‌نگرند و می‌فرمایند: ای حاجیانِ کوی عشق، طوافی را آغاز کنید که صفا و مروه‌اش، دویدن به طرف فرمان پروردگارتان است و قربانی‌اش، چهارپا نیست بلکه جانی است که در میقات، سر بر آستانِ اطاعت می‌گذارد. با من به دور خانه‌ای بگردید که به شما می‌نگرد تا بار دیگر پیمان خود را در سیمای شما تجربه کند. صدای کعبه را به جانتان هدیه کنید تا شرافتِ استی‌تان باز آید و آنگاه جز آن فرمان را نشنوید و به همان راهی که شما را می‌خوانند بشتابید.

همه مشغول طواف می‌شوند و اعمال را به انجام می‌رسانند و برای استراحت به چادرها مراجعه می‌کنند. حضرت اباعبدالله در مقام ابراهیم می‌نشینند و می‌فرمایند: پروردگارا، من امام این امت نافرمان هستم؛ شوقِ هدایتشان مانند هوایی است که در جانم وارد می‌شود. یاریم کنید. کشیدن تیغ بر آنان که نامشان مسلمان است از زخم خوردنِ جانم به دست جهلشان دشوارتر است. یاریم کن تا همگان را به زیر چتر اطاعت دعوت کنم.

امام بر می‌خیزد و برای دادن فرمان به مسلم بن عقیل نزد او می‌روند و می‌فرمایند: به کوفه برو و آنان را از آمدن کاروان مطلع ساز و مطمئن باش قبل از تمام شدن ایام معلومات، چهره‌هایشان برایت آشکار خواهد شد پس شتاب کن تا زمان را دریابی.

مسلم می‌رود و امام (س) به یاران می‌فرماید: منتظرش نمانید، او به دیدار جدم می‌رود، دیگر باز نمی‌گردد. همه گریان می‌شوند و التماس کنان به طرف امام می‌آیند و می‌گویند: ای یادگار پیامبرمان، به کدام سو می‌روی که مردمانش جز به شهادت کمر نبسته‌اند؟ و امام لبخند زنان می‌فرمایند: اگر صبور باشید در وقت خودش برایتان فاش خواهم کرد به کجا می‌روید.

امشب دوم محرم است؛ جاغان را با کاروان عاشوراییان همراه کردیم تا از سرچشمه‌اش، عطر سرگردانی را درمان کنیم. حقیقت نهضت مولایمان آن‌چنان شیرین و زیباست که حضرت زینب (س) فرمودند جز زیبایی ندیدند و نشنیدند پس شاکر پروردگاری هستیم که ما را به نهان‌ترین نهان‌ها آگاه فرمود تا بار دیگر بیعتمان را با غدیریان محکم کنیم و به امام عصرمان با تمنا بگوییم: ای آخرین وعده‌ی پروردگار، به ما بنگر تا به فرمانت، گردن به زیر تیغ اطاعت گذاریم و با دلی مطمئن عرضه داریم: منتظرت هستیم ای یادگار پیامبرمان. پس با صدایی رسا می‌گوییم:

**اللهم عجل لولیک الفرج**